

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

فرانکفورت - ۲۰ جون ۲۰۱۶

تنظیم و ویرایش: پورتال

کُشتی‌ها!!

ناتوانی‌های جسمی و علالت مزاج، موجب ناتوانی‌های فکری می‌شود و برای کسی، که با قلم و نوشتن سر و کار دارد، بندش طبع یا قبض الشعر، یا نارسائی در گفتار و کردار، بار می‌آورد. چنان، که در سروده «بندش طبع» تاریخی ۹ مارچ ۲۰۱۶ خود هم گفته بودم:

طبع دریامزاج من چندی ست

به خسی بند مانده، رِشخند است

مؤید این مشکل است، که از مدتی شامل حال من گردیده است. از طرفی سرزدن در سایت‌های مورد پسندم در اینترنت و مطالعه مطالب جدید، از نویسندگان توانا و خوش‌قریحه، مشوقم می‌شود تا من هم مطلب تازه‌ای آماده بسازم. ناگزیر به ورق‌پاره‌های گذشته سر می‌زنم، تا مطلب بکری ترتیب کرده و به دست نشر بسپارم. طی این تلاش‌ها نظرم را سروده‌ای جلب کرد، که پوره ۶۲ سال قبل در برابر نابسامانی‌های وطن نوشته، اما نظر به مشکلاتی به نشر نرسیده است. چون موضوع با شرایط امروز مملکت مطابقت می‌کند، با آرایش و پیرایش مجدد و کم و زیاد کردن یکی دو بیت برای نشر آماده ساخته‌ام، که از نظر تان می‌گذرد:

رهروی کو سر بیچاند ز رهبر، کشتنی ست

سرور و سردار و بی‌سر، یک برابر، کشتنی ست

کشتنی‌ها کو مکرر در مکرر، کشتنی ست

تنبل و خوابیده اندر روی بستر، کشتنی ست

رهبری کو را نباشد فکر کشور، کشتنی ست

در قطار کشتنی‌ها گر به کشور، کشتنی ست

گفته‌ام تکرار، این درد دل افسرده را

توده‌ای کز بیخودی مغروق خواب غفلت است

شاه ما، کابینه ما، میر پُرتزویر ما
 "عین" و "غین"، هردو که داد از وحدت ملی زنند
 صلح می‌گویند، اما جنگ و ویرانی به پاست
 منع می، کو نشنود فریاد پافتادگان
 کاسبی کو می کند در کسب خود مکر و فریب
 کاردار و کارفرما، کارساز و کارگر
 عسکری کو می گذارد مزد خود با افسران
 مسگری کو را سر مو، مسّ خاطر صاف نیست
 چرسی و بنگی و تریاکی و نسواری تمام
 آن، که از بیکارگی، سر بار دوش جامعه ست
 آن، که با جادو و جمبل می فریید خلق را
 کشته به، آن کس که می گوید، "اسیر" راستگو
 همچو مرغ بسمل بی بال و بی پر، کشتنی ست

(م. نسیم «اسیر» - ۳ جدی ۱۳۳۳ ش - کابل عزیز)

^۱ - شرح از صفحه "ادبی - فرهنگی" پورتال:

"شودا" تلفظ گفتاری کابلی از "شهداء" یا "شهادی صالحین" است - از قبرستان های مشهور و متبرک کابل نازنین. و "پنجه شاه" نیز تلفظ گفتاری کابلی از "پنجه شاه" است، که پوزه ای ست از "کوه خواجه صفاء" - بالاتر از زیارت "خواجه صفاء" و "قبر صوفی" یا "پیر اکرم خان"؛ مُشرف بر گذرهای "عاشقان و عارفان" و "بالاقلعه" کابل - هردو واقع در دامان "کوه خواجه صفاء" یا "کوه شیر دروازه" - یاد همه به خیر باد و در ساعات نکو!!!